

سیر تحول محیط زاینده‌رود

و تعامل آن با شهر تاریخی اصفهان (تا پایان عصر صفوی)^۱

علی عمرانی پور^۲

استادیار دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان

اصغر محمد مرادی

استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

کلیدواژگان: زاینده‌رود، اصفهان، عصر صفوی، محیط طبیعی- تاریخی.

چکیده

اصفهان شهری است تاریخی که در سیر زمان، چندین مرحله رشد و تحول شهری در آن تجربه شده است. این مراحل شامل شکل‌گیری ابتدایی این شهر تا دوران آل بویه، سلجوقیان، و تحولات دوره صفویه در ابتدای قرن یازدهم هجری می‌شود. در این نوشتار با توجه به حضور عامل طبیعی مهم و تأثیرگذاری چون زاینده‌رود، بخشی از شهر تاریخی اصفهان، در پیوند با شهر، به بررسی سیر تحول محیط طبیعی- تاریخی آن رودخانه پرداخته می‌شود. در این بررسی، تأثیر و تأثرات حضور زاینده‌رود و طبیعت حاصل از حضور آن در دشت اصفهان بر شهر، در دوره تاریخی صفویه، مطالعه می‌شود. مدارک و اسناد این پژوهش شامل متون تاریخی، سفرنامه‌های سیاحان داخلی و خارجی و تصاویر و نقشه‌های تاریخی از محیط طبیعی- تاریخی زاینده‌رود است. شناخت تعاملات شهر و زاینده‌رود در عهد صفوی و نیز استخراج مبانی نظری توسعه شهر اصفهان در خصوص این تعاملات از نتایج این پژوهش است که، بنیانی را برای برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های حفاظتی و توسعه شهری مرتبط با اصفهان عموماً و زاینده‌رود به طور خاص فراهم می‌کند.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعی در جلگه اصفهان، زاینده‌رود است، این رودخانه با حضور ویژه و عبور از میان شهر اصفهان، پیوندی چندجانبه با شهر دارد. اصفهان در قرن‌های یازدهم و دوازدهم هجری به پایتخت بزرگ‌ترین حکومت شیعی و «مهم‌ترین پایتخت اسلامی» تبدیل می‌شود. به همین سبب است که، شهر تاریخی پذیرای طرحی توسعه‌ای می‌شود که «نقطه عطفی در تحولات تاریخی این شهر» به حساب می‌آید. یکی از مهم‌ترین توانمندی‌های مؤثر در طرح‌ریزی، اجرا، و موفقیت‌های این طرح توسعه صفوی، رودخانه دائمی و با جریان قابل توجه زاینده‌رود در دشت حاصلخیز اصفهان است. با توجه به اهمیت و «نقش محوری زاینده‌رود در توسعه صفوی اصفهان»، در این نوشتار «سیر تحولات شهرسازانه شهر تاریخی اصفهان و رابطه آن با عنصر طبیعی رودخانه» از دوران‌های اولیه این شهر تا پایان عصر صفوی بررسی می‌شود.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان *میراث طبیعی فرهنگی زاینده‌رود در شهر تاریخی اصفهان* به راهنمایی دکتر اصغر محمد مرادی و مشاوره مرحوم دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی است، که آذرماه ۱۳۸۸ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران ارائه و دفاع شده است.

2. A_omrani@kashanu.ac.ir

پرسش‌های تحقیق

۱. شهر تاریخی اصفهان چه ارتباطاتی را با عنصر طبیعی زاینده‌رود تا پیش از عهد صفوی داشته است؟
۲. تأثیر و تأثر شهر و زاینده‌رود و نیز مبانی توسعه شهری اصفهان در طرح جامع صفوی در خصوص پیوند با رودخانه چیست؟
۳. زاینده‌رود، به مثابه میراثی طبیعی - فرهنگی، چه نقشی در دوره‌های مختلف رشد شهر تاریخی اصفهان تا پایان عصر صفوی داشته است؟

روش تحقیق

این نوشتار در تمایز با مطالعات پیشین بر سیر تحول شهر اصفهان، که عموماً با محوریت بافت تاریخی و بررسی چگونگی رشد و توسعه آن صورت گرفته، موضوع حضور زاینده‌رود را در این تحولات شهری وارد می‌کند و محوریت بحث را «روابط و تعاملات دوجانبه شهر و رودخانه» قرار می‌دهد. در روند بررسی و تحلیل این موضوع، در درجه اول، سعی در مراجعه به «اسناد و مدارک دست اول تاریخی» است، از جمله:

- متون تاریخی مرتبط با موضوع شرایط محیطی شهر اصفهان، چون تاریخ عالم‌آرای عباسی؛
- سفرنامه‌های معتبری که در هر دوره از سیاحان ایرانی و خارجی در دست داریم؛
- مدارک تصویری و تاریخی از آثار شهرسازی و معماری اصفهان، اعم از کروکی‌ها، نقشه‌ها و برخی تصاویر تهیه شده در زمان‌های متأخرتر.

۱. شهر و رودخانه در اصفهان پیش از صفویه (تا سال ۱۰۰۶ق)

«دشت اصفهان و به طور مشخص شهر اصفهان، هزار سال تجربه شهرنشینی به شیوه اسلامی- ایرانی را پشت سر گذارده بود و در این گذر طعم ویژه دو دوره برجسته را آزموده بود که، تسامحاً از آن به عنوان دوره تشکل اصفهان در دوره بویه‌ای و آن دیگری، گسترش شیوه‌ای سلجوقی می‌توانیم یاد کنیم و از این دو شواهد ملموس زیادی در دست نداریم».^۳ در عموم اسناد تاریخی هسته اولیه شکل‌گیری سکونت شهر اصفهان امروز، در پیرامون زاینده‌رود و «جی» ذکر شده است. حافظ ابونعیم در ذکر اخبار اصفهان به سال ۴۲۰ق، و همین طور مافروخی در محاسن اصفهان با ذکر مراحل مختلف بنیاد شهر جی، اتمام باروی آن را سال ۱۷۰ق می‌دانند.^۴ شواهد مکتوب در این دو منبع بیانگر آن است که ابونعیم و مافروخی هر دو، با استناد به کتاب تاریخ اصفهان نوشته حمزه اصفهانی، که امروزه در دسترس نیست، بنای شهر «جی» را شرح کرده‌اند. این حوقل در صورة الارض به سال ۳۶۷ق اصفهان را دو بخش مجزا و با فاصله از هم می‌داند: یهودیه و شهرستان، که روستاهایی با صفا و خرمی کم نظیر به آنها متصل هستند.^۵ یکی از بهترین روستاهای آن، روستای «جی»

۳. باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، «ایران و جهان اسلام از نگاه اصفهان در شهر موزه نقش جهان»، ص ۱۳.

۴. حافظ ابونعیم، ذکر اخبار اصفهان، ص ۷۱۲؛ مفصل بن سعد مافروخی اصفهانی، محاسن اصفهان، ص ۱۶.

۵. محمد بن حوقل، صورة الارض، ص ۱۰۵-۱۰۶.

در اطراف آنها، این مجموعه به شکل یک شهر در می آید. در این سال، در جوار زاینده رود، بنایی برای خلیفه وقت، به دلیل شرایط ویژه و مساعد آب‌وهوایی آن احداث می‌شود. نکته مهم در کتاب مافروخی در خصوص حضور طبیعت در شهر، «باغ‌های چهارگانه در اطراف شهر» است. که وی شرح مبسوطی از آن باغ‌ها، کیفیات فضایی هر یک از آنها، و قصرهای واقع در آنها می‌دهد. از محل باغات چهارگانه دوره سلجوقی، تنها باید از محل باغ کاران، که در آن دوره شهرت فراوان داشته و تا قرن هشتم باقی بوده و در جنوب محله خواجهی فعلی (تقریباً در محل صداوسیما فعلی اصفهان) قرار داشته است، یاد کرد.^۶

نتایج پژوهش غلوم‌بیک بر الگوهای شهری اصفهان پیش از صفویه نیز مؤید این موضوع است که، این شهر از اوایل دوران عباسی (قرون اولیه اسلامی) تا شروع دوره صفوی، به‌جز منطقه شهرستان، شهری بوده در هم فشرده و محصور و با فاصله‌ای قابل توجه با رودخانه؛ این فاصله بین شهر و زاینده رود نیز در پوششی از باغ‌ها و بیسه‌زارها بوده است.^{۱۰} (ت ۱)

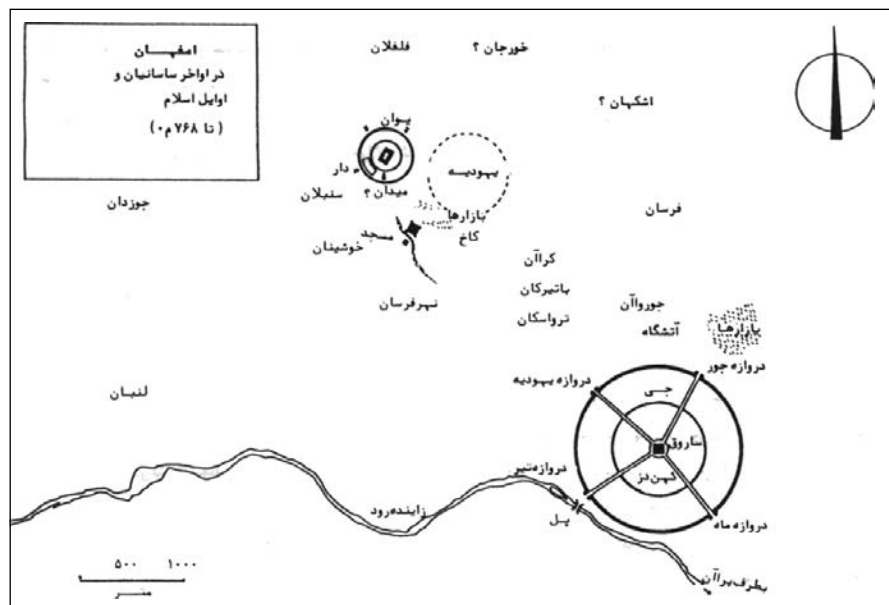
است که املاک خوب و دیه‌های بسیار دارد. «و در نزدیکی آن (شهر اصفهان) بر ساحل زرن رود آسیاب‌هایی است. این رود آبی گوارا دارد و کاخ‌هایی که بدان مشرف است، زیبایی خاصی بدان بخشیده است».^۶ شفق‌ی بر اساس مطالعات خود که در خصوص جی و شهرستان در مجاورت زاینده رود، معتقد است که شهرستان تنها مرکزیت سیاسی را در عصر ساسانی و تا قرن دوم هجری داشته و جی، که محل سکونت عامه مردم بوده، روستایی است در شرق شهرستان.^۷ شهرستان نیز به دلیل وجود پل شهرستان بر زاینده رود، ارتباطی قوی با سایر نقاط، به‌ویژه در جنوب ایران، داشته است.

تقسیم آب زاینده رود هنگام ورود به دروازه شهرستان به شعبه‌ها و چشمه‌های بسیار، بر اساس حق مشرب، از دیگر نکات مورد اشاره ابن حوقل است. به این ترتیب آب رودخانه، بر اساس نیازهای کشاورزی روستاهای مجاور رودخانه و طبق روشی مشخص، با طی مسیرهایی معین، تقسیم شده و استفاده می‌شده است.

سفرنامه ناصر خسرو، سند مهمی که به اصفهان سده پنجم اشاره دارد، توصیف روشن و مختصری از این شهر آباد و مترقی دوره آل بویه، در سال اول حکومت سلجوقیان بر آن، می‌کند. وی در بیان ویژگی‌های طبیعت اصفهان، به دو مورد اشاره دارد: شبکه آب روان در شهر، نیکوترین، جامع‌ترین، و آبادترین شهر سرزمین پارسی‌گویان.

سند ارزشمند دیگر در خصوص اصفهان دوره سلجوقی، اشارات مافروخی است در محاسن اصفهان (سده پنجم) و ترجمه قرن هشتمی آن. وی به برخی ویژگی‌های آب زاینده رود و همین‌طور آثار حضور آن در اصفهان اشاره می‌کند، که بیشتر به «ارتباط انسانی مردمان با این طبیعت» مربوط است. اشارات او در این خصوص گویای جایگاه ویژه و «اثرات عمیق زاینده رود و طبیعت آن در ذهن و تصور مردم» از آن است.^۸ منطقه اصفهان به سال ۱۵۰ق، روستاهایی پراکنده بوده و بعد، با احداث بارویی

۶. همان، ص ۱۰۷.
 ۷. سیروس شفق، جغرافیای اصفهان، ص ۲۵۷.
 ۸. مافروخی، پیشین، ص ۱۲-۱۳.
 ۹. شفق، پیشین، ص ۲۷۴.
 ۱۰. لیزا غلوم‌بیک، «الگوهای شهری اصفهان پیش از صفویه»، ص ۸-۹.
- ت ۱. نقشه اصفهان در اواخر ساسانیان و اوایل اسلام تا ۷۶۸ م. بر اساس پژوهش لیزا غلوم‌بیک.



در روند بررسی نقش رودخانه و طبیعت آن در ساختار شهر اصفهان و سیر تحول آن، یکی از نقاط مهم تاریخی که سرآغاز توسعه منحصراً به فردی در این خصوص است، سال ۱۰۰۶ق است؛ یعنی «زمان تصمیم پایتخت کردن اصفهان در حکومت صفوی». آن گونه که در بررسی اسناد تاریخی چون تاریخ عالم‌آرای عباسی روشن می‌شود، با این تصمیم، شهر اصفهان پذیرای «طرح جامعی» می‌گردد، که علاوه بر «اختصاصات شهرسازی و معماری»، پیوند چندجانبه‌ای با «طبیعت و زاینده‌رود» دارد.^{۱۱}

نقش محیط طبیعی و جغرافیایی دشت اصفهان و زاینده‌رود در توسعه صفوی

در خصوص دلایل جابه‌جایی و انتقال پایتخت صفوی از قزوین به اصفهان، اظهار نظرهای مختلفی در متون تاریخی صورت گرفته است که مجموعاً بیانگر وجود علل سیاسی- نظامی و استراتژیک در این تصمیم هستند.^{۱۲} اما آنچه که اهمیت دارد، «انتقال پایتخت» و قدرت سیاسی به «کنار بزرگترین رودخانه فلات مرکزی ایران»، و «دشت حاصلخیز» مجاور آن است؛ و در پی آن، «توسعه شهر» و اجرای عملیات عمرانی گسترده‌ای در آن است که، از آن به «طرح جامع صفوی» تعبیر می‌شود. با اشاره به این نقطه عطف در روند تحولات شهرسازانه اصفهان، موضوع مهم و قابل توجهی در باب پیوندهای طرح جامع صفوی با طبیعت مطرح می‌شود و آن «نقش زمینه‌ای محیط جغرافیایی- طبیعی دشت اصفهان در تحقق اندیشه‌های طرح جامع صفوی» است.

اسکندریبگ، باصفایی و زیبایی اقلیم منطقه اصفهان را عامل مهمی در انتخاب پایتخت می‌داند.^{۱۳} اسپونر، با استناد به مطالعات آدامز در خصوص الگوهای شهرنشینی در بین‌النهرین، لزوم وجود سیستمی برای آبیاری و شکل‌گیری اقتصاد بر پایه کشاورزی در شهر را مطرح می‌کند: «هرچند که عوامل مهم

دیگری از قبیل ارتباطات و تجارت، در جایی و رشد شهرها در محل‌های دیگر مهم است، اما دسترسی به منبع قابل اعتمادی از آب برای آبیاری، همواره یک عامل توجه اولیه است. شهر نمی‌تواند، بدون یک بنیان کافی از کشاورزی، توسعه یابد. به علت اهمیت بسیار آبیاری قنات در زمان‌های تاریخی، گاهی فراموش می‌شود که، بیشتر شهرهای فلات در کنار رودخانه بنا شده‌اند. گرچه زاینده‌رود به تنهایی عامل توسعه اصفهان در حد یکی از مهم‌ترین شهرهای تاریخی جنوب غرب آسیا نیست، اما اصفهان بدون یک چنین منبعی از آب، نمی‌توانست این‌گونه توسعه یابد».^{۱۴}

اصفهان در ابتدای قرن یازدهم هجری، به دلیل پایتختی صفوی و طبعاً قرارگیری در مرکز یک سیستم پیشرفته سیاسی، اقتصادی- تجاری و ارتباطی، با مهاجرت و افزایش سریع جمعیت روبه‌رو می‌شود. به منظور فراهم ساختن زمینه معاش کافی برای این جمعیت و نیز پشتیبانی سیستم حکومتی وقت، کشاورزی در جلگه اصفهان به طور چشمگیری شدت می‌یابد. این سیستم کشاورزی، که پایتخت بدان وابسته بود، بدون توزیع کافی آب زاینده‌رود از بین می‌رفت. جدای از عقلانیت به کار رفته و «دیوان‌سالاری در سیستم توزیع زمانی آب آبیاری» این منبع محدود، به نظر می‌آید که تمامی «تلاش‌ها به منظور افزایش میزان آب»، بهره‌برداری از آن، و پیشرفت حاصلخیزی کشاورزی صورت گرفته است. برای نیل به این اهداف، «اقدامات و مداخلاتی در محیط طبیعی زاینده‌رود» صورت می‌گیرد که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل هستند:

۱. بین لنجان (محل ورود زاینده‌رود به اصفهان) و گاوخونی، ۱۰۵ مادی زمین‌های اطراف را سیراب می‌کنند.^{۱۵}
۲. در محدوده فوق، دوازده پل هست و برخی از آنها علاوه بر جنبه‌های ارتباطی، نقش بند و بالا آوردن سطح آب را نیز داشته‌اند.^{۱۶}
۳. زیر آخرین پل در ورزنه، سه سد خاکی به منظور بالا

۱۱. اسکندریبگ درباره‌ی طرح جامع صفوی اصفهان، که در سال ۱۰۰۶ق / ۱۵۹۷م طرح افکنده شد، گزارش روشنی را می‌دهد (اسکندریبگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ص ۸۷۱-۸۷۳).

۱۲. شفقی، پیشین، ص ۲۸۶.

۱۳. اسکندر بیگ، پیشین، ص ۵۴۴.
14. B. Spooner, "City and River in Iran: Urbanization and Irrigation of the Iranian Plateau, Iranian Studies", p. 685.

۱۵. اسامی تفصیلی مادی‌ها: آقامیرسیدعلی جناب، الاصفهان، ص ۵۴.

۱۶. جناب، همان، ص ۵۳.



17. B. Spooner, "City and River in Iran: Urbanization and Irrigation of the Iranian Plateau, Iranian Studies", p. 700.

۱۸. تقسیم آب زاینده‌رود تاریخی چند قرنی دارد، در زمان صفویه، به منظور افزایش بیشینه حاصلخیزی کشاورزی، تغییر کرده و توسعه می‌یابد.

۱۹. برای اطلاعات بیشتر نک: به ژان شاردن، سفرنامه.

20. B. Spooner, "City and River in Iran: Urbanization and Irrigation of the Iranian Plateau, Iranian Studies", p. 703.

۲۱. متون تاریخی مورد استناد در این بخش شامل تاریخ عالم‌آرای عباسی از اسکندربیک منشی، سفرنامه دلاواله، سفرنامه تاورنیه، سفرنامه شاردن، سفرنامه اولتاریوس، سفرنامه کمپر و سفرنامه کارری است. بدیهی است که متون تاریخی مشابه دیگری نیز از اصفهان پس از صفوی در دسترس است که، می‌تواند در شناخت شهر پس از صفوی و تغییر و تحول آن بدانها استناد شود. از جمله: سفرنامه اولیویه، سفرنامه فلاندن، سفرنامه گوینو، سفرنامه بروگش، سفرنامه دیولافوا، سفرنامه افضل‌الملک، سفرنامه براون، سفرنامه ماسهارو، و سفرنامه جکسن.

۲۲. اسکندر بیگ، همان، ص ۸۷۱
۲۳. همان، ص ۸۷۱؛ ژان باپتیست تاورنیه، سفرنامه، ص ۳۷۹؛ ژان شاردن، سفرنامه، ص ۳۷؛ آدم اولتاریوس، سفرنامه، ص ۲۳۵.

«مهم‌ترین خصایص و ویژگی‌های قابل توجه در تعاملات زاینده‌رود و اصفهان عصر صفوی» را به طور خلاصه، این‌گونه می‌توان برشمرد: اتخاذ دارالسلطنه اصفهان، برای مقر دولت، سیمای عمومی و خصوصیات عام منظر شهر، ساختار فضایی طرح جامع صفوی در ابتدای شکل‌گیری، سایر فضاهای الحاق شده به طرح جامع صفوی، خیابان چهارباغ و باغ‌های پیرامونی آن، سی‌وسه‌پل، باغ هزارجریب، محلات جدید شهری، خیابان چهارباغ صدری، پل‌بند خواجو، باغ فرح‌آباد، و جریان آب زاینده‌رود.

۲.۱. اتخاذ دارالسلطنه اصفهان، برای مقر دولت

اتخاذ دارالسلطنه اصفهان، برای مقر دولت و مرکز تصمیمی جامع بر طرح‌اندازی عمارات عالی در آن، در ابتدای قرن یازده قمری صورت گرفت.^{۲۲}

۲.۲. سیمای عمومی و خصوصیات عام منظر شهر

عموم اسناد تاریخی با اشاره به منظر عمومی شهر، این صفات را که بیانگر نقش غالب و «حضور گسترده طبیعت و زاینده‌رود در سیمای شهر» است، به طور مشترک ذکر کرده‌اند: عرصه دلگشا، هوای معتدل، باغ‌ها در شهر و سرسبزی جنگل‌مانند، مناره‌ها و گنبد‌های رفیع در منظر شهر، حضور آب زاینده‌رود و جوی‌های متعدد منعش از آن و جاری در معابر و فضاهای مختلف شهری تا رسیدن به خانه‌ها، باغ‌ها و باغچه‌ها، فراوانی آب و حاصلخیزی جلگه، مزارع و باغ‌های فراوان در پیرامون شهر و با برج‌های کبوترخانه.^{۲۳}

۲.۳. ساختار فضایی طرح جامع صفوی در ابتدای شکل‌گیری

عمارت‌های جدید و محلات نو در پایتخت جدید صفوی در «ساختار فضایی پیش‌اندیشیده‌ای» که مبتنی بر «توسعه در پیوند با طبیعت و رودخانه» بوده، طرح‌اندازی می‌شود. ارکان اصلی

آوردن سطح آب برای آبیاری زمین‌های اطراف بنا شده است.^{۲۴}

۴. طراحی سیستم ثبت‌شده و مکتوب توزیع آب زاینده‌رود،

موسوم به طومار شیخ بهائی.^{۲۵}

۵. تلاش برای افزایش میزان آب رودخانه از طریق ساخت تونل کوه‌رنگ جهت انتقال بخشی از آب کارون به زاینده‌رود.^{۲۶}

۶. سرمایه‌گذاری روی قنات‌ها و چاه‌ها برای آبیاری زمین‌های دور از رودخانه.^{۲۷}

۲. شهر و رودخانه در اصفهان عهد صفوی (از سال ۱۰۰۶ق)

همان‌طور که اشاره شد، در خصوص تاریخ معماری و شهرسازی اصفهان پیش از صفویه، منابع اندکی در دست است. با این حال، در بند پیشین، خلاصه‌ای از نتایج پژوهش در تعاملات شهر و رودخانه در دوره‌های تاریخی پیش از قرن یازدهم هجری بیان شد. اما آغاز قرن یازدهم، سرآغاز توسعه جدید اصفهان، در بستر طبیعت دشت اصفهان و به سمت زاینده‌رود، است. «تقرب زمانی» ما به این دوره و باقی ماندن بخش قابل توجهی از «آثار معماری و شهرسازی و وجود منابع مکتوب ارزشمند» از این عصر (اعم از متون تاریخی، سفرنامه‌های سیاحان خارجی، و برخی منابع تصویری) عواملی هستند که فرایند شناخت ما را از کم‌وکیف این توسعه، در مقایسه با دوره‌های پیشین تحولات این شهر، تعمیق می‌بخشد.

این پژوهش با هدف تعمیق شناخت تحولات شهرسازانه و معماری عصر صفوی اصفهان، در محیط طبیعی-تاریخی رودخانه، انجام شده است. روش اتخاذ شده مبتنی بر روش تاریخی در حوزه معماری و شهرسازی است و با شناسایی، دسته‌بندی، و مراجعه به منابع دست اول تاریخی، از جمله متون تاریخی و سفرنامه‌های عصر صفوی^{۲۸} آغاز شده است. بر اساس نتایج حاصل شده،

هزارجریب در انتهای جنوبی محور طبیعی- شهری چهارباغ، محله‌های جدید شهری عباس‌آباد، جلفا، و گبرآباد در مجاورت رودخانه و فضاهای پیرامونی آن.^{۲۴} (ت ۲)

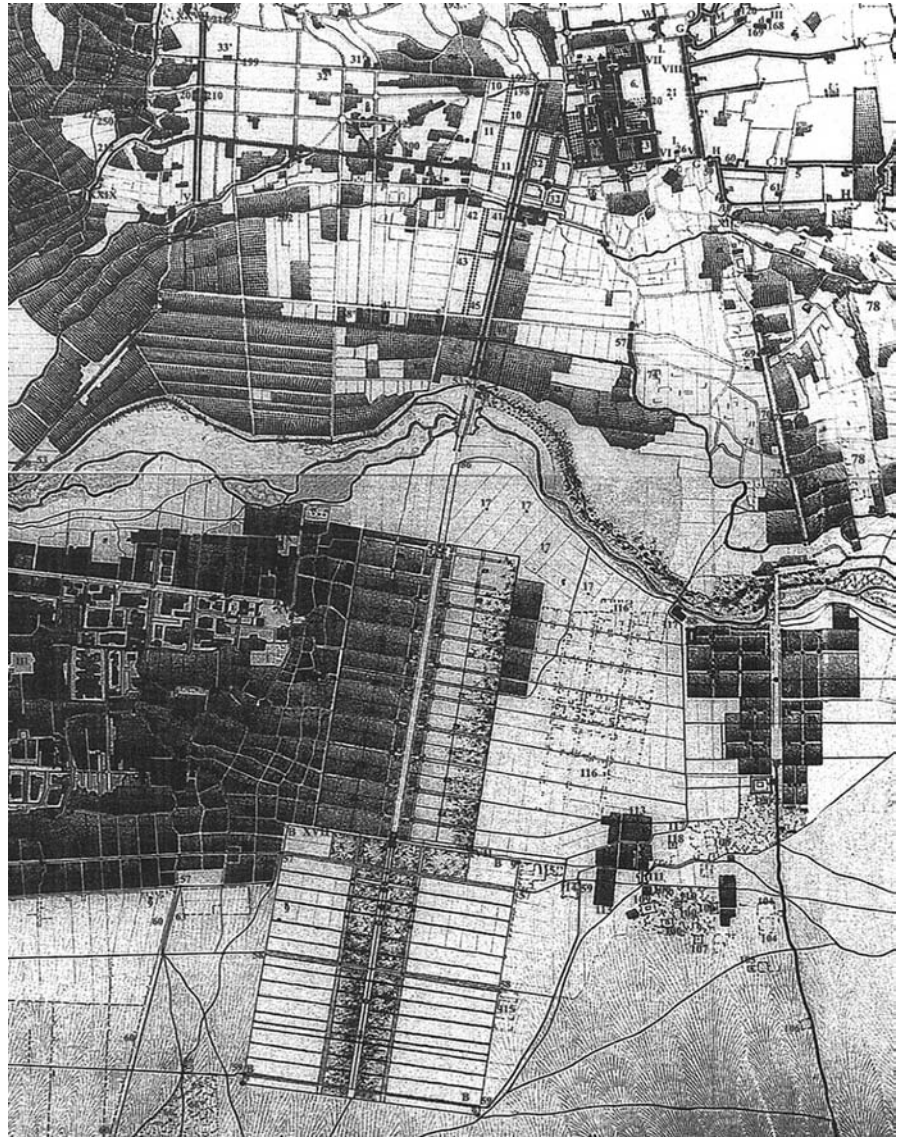
این ساختار در ابتدای شکل‌گیری شامل خیابان چهارباغ عباسی در نقش محور توسعه شهر به سمت رودخانه، باغ‌های پیرامونی خیابان چهارباغ؛ جداره‌های طبیعی- شهری، پل الله‌وردی‌خان در نقش پیونددهنده شهر و لبه‌های رودخانه در محور چهارباغ، باغ

۴.۲. سایر فضاهای الحاق شده به طرح جامع صفوی

در ادامه تحولات شهری اصفهان، تا اواخر عهد صفوی فضاهای دیگری نیز به این طرح جامع ملحق می‌شوند: محله شمس‌آباد در غرب عباس‌آباد، محله خواجه، محله شیخ یوسف بنا در شرق محله خواجه، قصرهای هفت‌دست و باغ‌های سعادت‌آباد به صورت فضاهای کلان شهری در مجاورت و در دو جانب زاینده‌رود، باغ فرح‌آباد، خیابان چهارباغ صدری و باغ‌های پیرامون آن در امتداد پل خواجه، پل خواجه در نقش ارتباط‌دهنده کرانه‌های شهری رودخانه در محور چهارباغ صدری.^{۲۵}

۵.۲. خیابان چهارباغ و باغ‌های پیرامونی آن

محور چهارباغ و مجموعه باغ‌های گردآمده در مجاورت آن، «ستون فقرات توسعه صفوی شهر به سمت رودخانه» است و از منظر بهره‌مندی از امکانات زاینده‌رود و طبیعت آن دارای



ت ۲. (صفحه روه‌رو، راست) بخشی از نقشه شهر اصفهان، تهیه شده توسط چریکف به سال ۱۳۳۰ش که در آن به روشنی خطوط اصلی و استخوان‌بندی طرح جامع صفوی و بخش‌های مختلف آن در امتداد محور رودخانه و محورهای عمود بر آن نمایان است. ت ۳. (صفحه روه‌رو، چپ) آثار باقی‌مانده از گردشگاه چهارباغ به سال ۱۸۷۰م، مأخذ: ارنست هولتسر، *ایران در ۱۱۳ سال پیش*. ت ۴. (راست) آثار باقی‌مانده عمارت درگاه باغی در خیابان چهارباغ به سال ۱۸۷۰م، مأخذ: هولتسر، *ایران در ۱۱۳ سال پیش*. ت ۵. (چپ) بخشی از آثار باقی‌مانده از باغ زرشک در مجاورت چهارباغ و زاینده‌رود به سال ۱۸۷۰م، مأخذ: هولتسر، *ایران در ۱۱۳ سال پیش*.

باغ‌های شاهی، مدرسه مادر شاه، دولت‌خانه صفوی، محلات جدید عباس‌آباد و جلفا در پیرامون محور چهارباغ و در ارتباط با این طبیعت شکل می‌گیرند. (ت ۵)

برینیولی با اشاره به بی‌همتایی خیابان چهارباغ در تاریخ شهرسازی اسلامی، دو ویژگی را در یگانگی آن برمی‌شمارد: «نخست به لحاظ اندازه، زیرا خیابان چهارباغ بسیار دراز است (بیش از ۳۰۰۰ متر)... به‌علاوه، معماری چهارباغ به گونه‌ای چشمگیر پیچیده است».^{۳۲} وی با مطالعه تطبیقی بین چهارباغ با سایر خیابان‌های بزرگ ایتالیا، فرانسه، چین، و شهرهای اموی امان، انجار، دمشق، و هرات عصر تیموری، به «خصایص چهارباغ» اشاره دارد که اهم آنها بدین شرح هستند:

- جانشین کردن رواق با «معماری طبیعی» و ستون‌های متشکل از ردیف درختان؛

- به کارگیری معماری متناسب با احساسات ایرانی: «معماری باغی»، با بناهایی که، رو به فضاهای سبز گشوده می‌شدند؛

- مظهر تاریخی از نوعی شهرسازی که جایگاهی ویژه برای «تزیین باغ»، آب، و سطوحها قائل است؛

- چهارباغ «پیونددهنده توأمان دو ساحل زاینده‌رود» با هم

ویژگی‌های زیر بوده است:

- «معبر و گردشگاهی عمومی» در تقاطع با رودخانه، از پشت دولت‌خانه صفوی تا پای کوه صفا در جانب جنوبی شهر،^{۳۶}

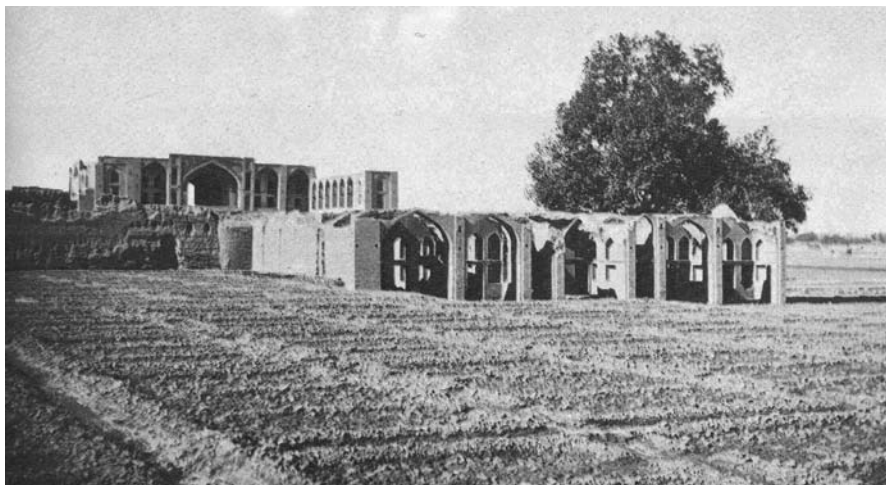
- آغاز چهارباغ از جانب شهر، با عمارت کوشکی جهان‌نما، متصل به عمارت سلطنتی، با پنجره‌ها و ایوان‌های بسیار به قصد تماشای منظر خیابان و باغ‌های پیرامون آن بوده است. چشمه‌ای نیز از زیر این کوشک جریان آب را در سراسر نهر میان خیابان جاری می‌کرده است. (ت ۳)^{۳۷}

- در دو طرف خیابان جوی آب جاری، و در میان خیابان نهری سنگ‌بست، و با حوض‌ها، فواره‌ها و آبشارها بوده است.^{۳۸}

- حضور هفت حوض از ابتدای خیابان تا محل رودخانه،^{۳۹} و با ردیف‌هایی از چنارهای مرتفع در دو طرف خیابان.^{۴۰}

- باغ‌ها و کاخ‌هایی وسیع در طرفین خیابان حضور داشته‌اند که هر یک دیوارهایی مشبک و منظم و عمارتی در درگاه باغ (ت ۴)، و در برابر حوضی بزرگ در میان خیابان و عمارتی کوشکی در میان باغ داشته است. ورود به این باغ‌ها برای تفرج مردم و بهره‌مندی از میوه‌های آنها آزاد بوده و در داخل باغ‌ها نیز درختانی انبوه با صفوف طولانی و منظم بوده است.^{۴۱}

- بناها، فضاها، و معماری‌های شاخص و مجللی چون



و شهر قدیم با محلات جدید شهری است؛
 - بزرگ‌ترین ویژگی شهرسازی عهد شاه عباس و طبعاً
 چهارباغ، سلطنتی بودن آن است.^{۳۳}

۲.۶. سی‌وسه‌پل

پل جلفا حضور معماری شهری در بستر و کرانه‌های رودخانه
 است و «صفات بارزی در زمینه توسعه شهر بر پایه طبیعت»
 دارد:

- چهارباغ با این پل، مشتمل بر چهل چشمه از روی
 زاینده‌رود، محل تقاطع محور شهری چهارباغ با محور
 طبیعی رودخانه، تا دامنه کوه صفا در جنوب شهر امتداد
 دارد؛

- در طراحی این پل، تنها به یک راه عبور بسنده نشده
 است، بلکه پل «راه‌های مختلف عبوری» دارد که، هر
 یک نوع «ارتباط متفاوتی را با طبیعت» پیرامون خود
 دارد؛

- فضاهای این پل، محلی برای «تفریح و نشستن مردم» در
 غرفه‌های آن برای تماشای مناظر اطراف و رودخانه بوده
 است؛ (ت ۶)

۲۴. اسکندر بیگ، پیشین، ص ۸۷۳؛
 پیترو دلاواله، سفرنامه، ص ۴۹.
 ۲۵. تاورنیه، پیشین، ص ۳۹۳-۴۰۰؛
 شاردن، پیشین، ص ۱۶۸-۱۹۴؛
 جووانی کارری، سفرنامه، ص ۱۴۱.
 ۲۶. اسکندربیک، پیشین، ص ۸۷۱.
 ۲۷. دلاواله، پیشین، ص ۳۹؛ تاورنیه،
 همان، ص ۳۹۳؛ شاردن، همان، ص
 ۱۴۶.
 ۲۸. اسکندر بیگ، پیشین، ص ۸۷۲،
 دلاواله، همان‌جا؛ شاردن، همان‌جا.
 ۲۹. شاردن، پیشین، ص ۱۴۸.
 ۳۰. اسکندربیک، همان‌جا، ص ۸۷۲؛
 انگلبرت کمپفر، سفرنامه، ص ۱۹۵؛
 کارری، پیشین، ص ۸۳.
 ۳۱. اسکندربیک، همان‌جا؛ دلاواله،
 پیشین، ص ۴۰؛ تاورنیه، پیشین،
 ص ۳۹۳؛ شاردن، پیشین، ص ۱۴۷؛
 کمپفر، پیشین، ص ۱۹۵.
 ۳۲. ژان برینولی، «بینش شاه عباس:
 شهرسازی سلطنتی اصفهان»، ص
 ۶۶

۳۳. همان، ص ۶۶-۶۸.
 ۳۴. اسکندر بیگ، همان‌جا؛ تاورنیه،
 پیشین، ص ۳۹۷؛ شاردن، پیشین،
 ص ۱۵۱.
 ۳۵. اسکندربیک، همان‌جا؛ دلاواله،
 پیشین، ص ۴۱؛ تاورنیه، پیشین،
 ص ۳۹۹؛ شاردن، پیشین، ص ۱۵۲؛
 اولتاریوس، پیشین، ص ۲۴۵؛ کارری،
 همان، ص ۸۴

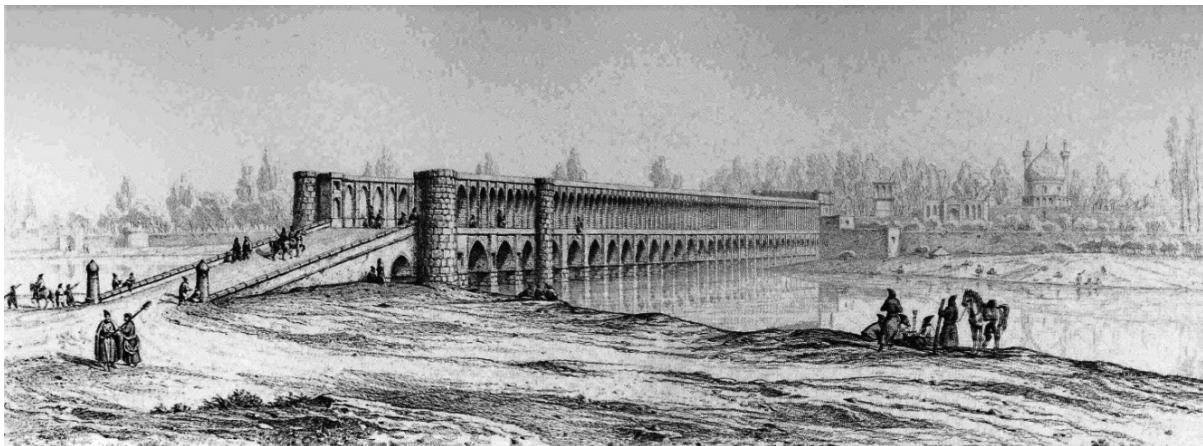
ت ۶ سی‌وسه‌پل در امتداد محور
 تاریخی چهارباغ بر زاینده‌رود،
 مأخذ: اوژن فلاندن، سفرنامه به
 ایران در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱.

- با سی‌وسه‌پل و فضاهای پیرامون آن در بستر رودخانه،
 فضاهای طبیعی-شهری در اختیار عامه مردم قرار
 می‌گرفته و محل «حضور مردم در جشن‌ها» و مراسم
 مختلفی چون «جشن آب‌ریزان» و مراسم آیینی
 «خاج‌شوین ارامنه» جلفا بوده است.^{۳۴} (ت ۷)

۲.۷. باغ هزارجریب

محور چهارباغ در انتهای جنوبی به باغ هزارجریب (باغ عباس‌آباد)
 در دامنه کوه صفا ختم می‌شده است. بر این اساس، با این طرح،
 کوه صفا و منظر باغ هزارجریب در دامنه آن «حضور شاخصی
 در دید و منظر شهر» پیدا می‌کرده است.

هزارجریب متشکل از باغ‌های پلکانی وسیع، با درختان
 انبوه و کوتاه‌قد میوه، برای مراسم خاص پادشاهی بوده است.
 این باغ چهارگوش است و با هندسه‌ای منظم طراحی شده و
 راه‌هایی در طول و عرض باغ، نهرها، حوض‌های متعدد و جریان
 آب زاینده‌رود در آنها، فواره‌ها و آبشارها، کلاه‌فرنگی‌های باز،
 دروازه‌هایی در هر ضلع باغ، و برج‌های کبوترخانه در آن به طور
 آرایش شده حضور داشته و درعین حال، مقری برای تربیت
 درختان ممتاز و میوه‌های نادر ایران بوده است.^{۳۵}



۸.۲. محلات جدید شهری

در توسعه اصفهان ذیل طرح جامع صفوی، محلات مسکونی نیز با برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های خاص شاهی شامل عباس‌آباد، جلفا، و گبرآباد بنا شدند. هر سه این محلات به نوعی «در ارتباط نزدیک با رودخانه و طبیعت آن» قرار دارند. دلاواله اصفهان را شهر بزرگ چهارمحله‌ای می‌داند که، پل رودخانه در مرکز آن و سمت شرق خیابان چهارباغ شهر اصلی اصفهان؛ در سمت غرب خیابان، عباس‌آباد؛ مقابل عباس‌آباد و در سمت جنوب آن، محله جلفا، و مقابل اصفهان اصلی در جنوب، محله گبرآباد قرار دارد. **عباس‌آباد:** اسکندربیگ، طرح‌اندازی و اتمام شهر عباس‌آباد را در جانب غربی چهارباغ برای مسکن تبریزیان از اقدامات طرح صفوی می‌داند. عباس‌آباد در غرب خیابان چهارباغ، بین پل‌های الله‌وردی‌خان و مارنان واقع شده و با دروازه بزرگی به چهارباغ متصل بوده است. این محله با کوچه‌های مستقیم و غالباً با جوی‌های آب روان و دو ردیف درخت چنار، زیباترین کوچه‌های شهر را داشته است.^{۳۶}

جلفا: با انتقال ارامنه از جلفا در ساحل رود ارس به اصفهان، بخشی از زمین‌های قسمت جنوب غربی چهارباغ در امتداد ساحل جنوبی زاینده‌رود، برای سکونت آنان در نظر گرفته، و

به محله جلفا معروف شد. این محله که در حاشیه رودخانه واقع شده، منقسم به دو بخش کهنه و نو است، بخش کهنه شامل مستحدمات دوره شاه عباس اول و نو شامل مستحدمات دوره شاه عباس دوم است.

جلفا دو خیابان اصلی در طول داشته و یکی از آنها دارای درختان چنار در دو طرف و نهری در میان بوده است، و پنج کوچه که، از کوه به سمت رودخانه کشیده شده اغلب نهر آب و یک ردیف درخت دارند، و به هنگام زمستان در نهرهای تمام کوچه‌های این محل آب جاری بوده است. از بین حدود ۳۵۰۰ خانه محله جلفا، زیباترین و مجلل‌ترین آنها در کنار رودخانه واقع بوده است.^{۳۷}

گبرآباد/ سعادت‌آباد: محله گبرها قریه بزرگی در جانب جنوبی زاینده‌رود و در فاصله میان سی و سه‌پل تا پل خواجه بوده، به طوری که اولین خانه‌های این محله از کنار رودخانه آغاز می‌شده است. گبرآباد در زمان شاه عباس دوم به محل بناهای تفریحی و کاخ‌های اعظم و اشراف تبدیل می‌شود و از این زمان به بعد است که سعادت‌آباد نام می‌گیرد. عمارت‌های دولتی نیز با نام «هفت‌دست» در کنار باغ سعادت‌آباد و در مجاورت جنوب زاینده‌رود بنا شده است. (ت ۸)

۳۶. شاردن، پیشین، ص ۱۶۸-۱۷۵.
۳۷. تاورنیه، پیشین، ص ۴۰۱؛
شاردن، پیشین، ص ۱۸۵-۱۹۴.



ت ۷. سی‌وسه پل و فضاهای مجاور آن، محلی برای تعاملات اجتماعی و جشن‌ها، مأخذ: اوژن فلانسن، سفرنامه به ایران در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱.

۹.۲. خیابان چهارباغ صدری

تاورنیه به خیابانی از اصفهان به طرف پل خواجه اشاره می‌کند که با درختان چناری در دو طرف آن، طولانی‌تر و عریض‌تر از چهارباغ، اما بدون نهر آب در میان بوده است. این خیابان قرینه چهارباغ کهنه بر سر راه شیراز، از نهر نیاصرم، تا اتصال به زاینده‌رود بود و اطراف آن، به‌قاعده، باغ‌ها و سردرها ساخته شده است. در جانب جنوب پل نیز، چهارباغی، مختصرتر طرح انداخته بودند که، ممتد به دروازه تخت فولاد بوده است.^{۳۹} چهارباغ صدری را می‌توان «محور دوم توسعه شهر به سوی رودخانه و پیونددهنده شهر با زاینده‌رود» دانست.

۱۰.۲. پل بند خواجه

پل خواجه یا حسن‌آباد، حلقه اتصال محلات خواجه و شیخ یوسف به طرف مقابل رودخانه و راه شیراز و در عین حال، مظهر فاخر دیگری از «پیوند معماری شهری با زاینده‌رود» بوده است. تاورنیه علت وجودی پل خواجه را علاوه بر مجاورت به محله گبرها، این‌گونه بیان می‌کند که، رودخانه در این منطقه از همه جا مسطح‌تر، آب آن عمیق‌تر و خوش‌منظرتر است.

۱۱.۲. باغ فرح‌آباد

در اواخر سلطنت صفوی و در زمان سلطان حسین در نیم فرسخی جنوب غربی جلفا، در پای کوه صفه، باغ شاهی با عمارت‌هایی در آن احداث می‌شود که، به فرح‌آباد مشهور است. به اعتقاد دیولافوا، فرح‌آباد مهم‌ترین کاخ‌های تابستانی جانشینان شاه عباس در جانب جنوبی زاینده‌رود بوده است. (ت ۱۱)

۱۲.۲. جریان آب زاینده‌رود

حضور زاینده‌رود در دشت اصفهان، پتانسیل مهمی بود و توانست بستر لازم را برای ظهور و تکامل طرح جامع صفوی فراهم کند. بسیاری از اقدامات، طرح‌ها و فضاهای، ذکر شده در بندهای

برخی ویژگی‌های فضایی «سعادت‌آباد»، در شکل‌گیری و «پیوندی چندجانبه و نزدیک با زاینده‌رود»، به شرح زیر است:

- متشکل است از بناها و باغ‌هایی به محیط یک فرسخ و در دو جانب شمالی و جنوبی زاینده‌رود، به طوری که رودخانه از میان سعادت‌آباد عبور کرده و آن را به دو بخش مردانه و حرم‌سرا تقسیم می‌کرده است؛

- پل چوبی بر روی پایه‌هایی سنگی، مرتبط‌کننده دو بخش سعادت‌آباد بوده است؛

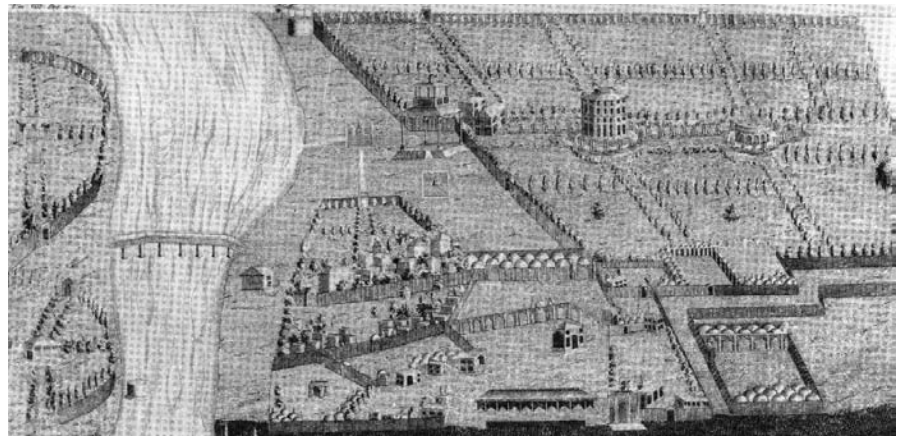
- در این کاخ درختانی انبوه و ردیفی و جوی آبی با فواره‌های متعدد و آبشارها بوده است و عموماً جشن‌های بزرگ توأم با آتش‌بازی در آن برگزار می‌شده است؛

- رودخانه در محل باغ سعادت‌آباد به دلیل بنای پل بند خواجه در پایین‌دست، به دریاچه‌ای باشکوه تبدیل می‌شده است؛

- عمارت آینه‌خانه در جانب جنوبی باغ شاهی سعادت‌آباد، نمونه‌ای از شکل‌گیری «معماری‌های شاخص در مجاورت زاینده‌رود» برای پذیرایی از نمایندگان و سفرای خارجی به هنگام استراحت شاه بوده و رواقی نیز به طرف رودخانه داشته است.^{۳۸} (ت ۹ و ۱۰)

۳۸. شاردن، پیشین، ص ۱۸۴؛ کمپفر، پیشین، ص ۱۹۰؛ کاری، پیشین، ص ۱۴۱
۳۹. تاورنیه، پیشین، ص ۳۹۹.

ت ۸. طرح ترسیمی شاردن از مجموعه باغ و عمارت‌های سعادت‌آباد در دو جانب زاینده‌رود و پل چوبی.



۴۰. نهرها و مادی‌هایی که از رود بریده و به شهر آمده و در آن زمان فعال بوده‌اند: نهرهای نیاصرم، فرشادی، جوی شاه، مادی فرا، طبران، قمش.

ت ۹. (راست) عمارت آیینخانه در جوار زاینده‌رود و پل بند خواجه، مأخذ: فلانن، سفرنامه به ایران در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱.
ت ۱۰. (چپ) آثار باقی‌مانده از عمارت آیینخانه، عمارت‌های هفت‌دست و پل جویی در مجاورت زاینده‌رود به سال ۱۸۷۰ م، مأخذ: هولتسر، ایران در ۱۱۳ سال پیش.

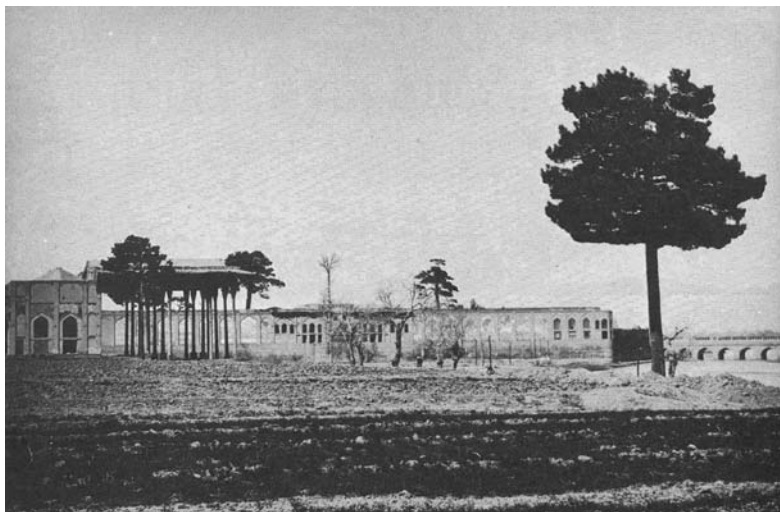
و باغ‌ها منشعب می‌شده است.^{۴۰} تقسیم آب نهرها به این منظور و مدیریت آب رودخانه در این شبکه اهمیت ویژه‌ای داشته است. همچنین از مسیر رودخانه نهرهای کوچکی به مخازن آب باران (حوض و برکه) منشعب می‌شده و آب آنها به تمام خانه‌های شهر هدایت می‌شده است. بر این اساس، با تقسیم آب رودخانه در شبکه‌ای متنوع و بهره‌گیری از آب آن، به منظور آبیاری مزارع بیرون شهر، تأمین آب استخرها و حوض‌های قصرها و خانه‌ها بوده و اغلب خیابان‌های شهر درخت‌کاری شده و با جوی آبی روان در وسط بوده و بنا بر این، عمده طراوت و آبادی پایتخت مدیون جریان زاینده‌رود در شهر و در بستری فوق‌العاده عریض و کم‌عمق است.

به منظور ارتباط و «پیوند دو جانب رودخانه»، سلاطین یا اهل خیر «دوازده پل» در مسیر زاینده‌رود از لنجان تا ورزنه احداث کرده بودند که در محدوده شهر اصفهان، این ارتباط از طریق چهار پل مارنان، الله‌وردی‌خان، خواجه و شهرستان صورت می‌گرفته است.

پیش، بدون زاینده‌رود نمی‌توانست بروز پیدا کند. در عین حال، زاینده‌رود در توسعه شهری صفوی «نقشی فراتر از یک عنصر طبیعی» صرف ایفا می‌کند و خود در حکم «محوری شهری-طبیعی در ساختار شهر» وارد می‌شود. در اینجا گذشته از دو مبحث فوق، که از مباحث اساسی پیرامون حضور زاینده‌رود در جوار شهر اصفهان است، لازم است تا جمع‌بندی از بین اسناد تاریخی مورد مطالعه در خصوص «حضور کالبدی و جریان آب زاینده‌رود در شهر» داشته باشیم.

اسکندریک در ذکر ویژگی‌ها و خصایص مهم اصفهان به آب زاینده‌رود و جوی‌های منشعب از آن اشاره دارد و از دید دلاواله نیز آب به اندازه‌ای زیاد است که از میان تمام کوچه‌های متقاطع با چهارباغ نهری می‌گذرد. با این حال، شاه عباس برای افزایش آب رودخانه از طریق «احداث تونل کوه‌رنگ» تلاشی چشمگیر، اما بدون موفقیت، داشته است.

عموم منابع تاریخی، اعم از سفرنامه‌های تاورنیه، شاردن، اولتاریوس، کمپفر، و کارری به صراحت به «شبکه متنوع جریان آب زاینده‌رود» در شهر و اهمیت حیاتی آن برای اصفهان اشاره دارند. بر این اساس، از مسیر اصلی رودخانه نهرهایی برای مزارع



۳. نتیجه‌گیری

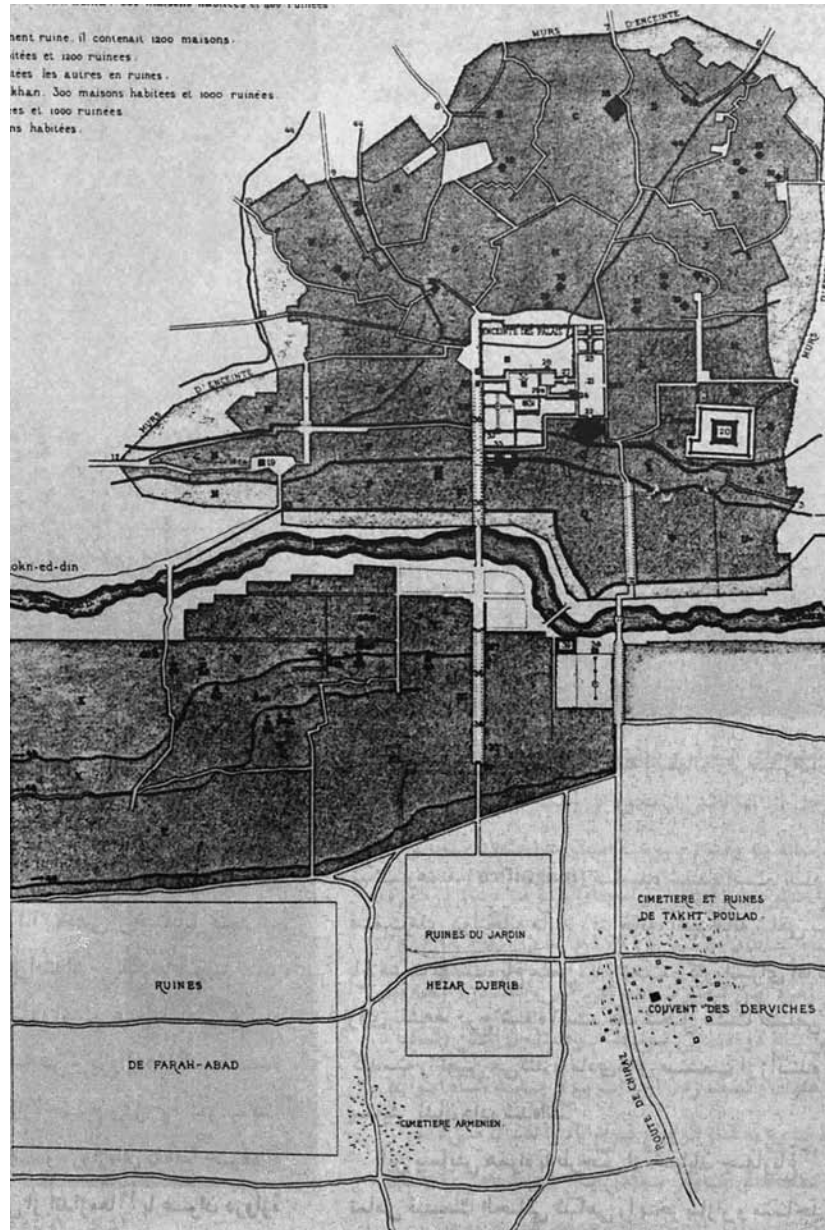
طی آنچه گذشت، با علم به این که شهر تاریخی اصفهان در دوره صفوی پذیرای طرح جامعی ویژه گردید که، طبیعت و حضور زاینده‌رود در آن، نقش مهمی را ایفا کرده است، سعی شد تا «سیر تحول تعاملات شهر، زاینده‌رود، و طبیعت آن»، در دو دوره پیش از صفوی و دوران صفوی از بین اسناد تاریخی مطالعه و جمع‌بندی شود:

۳.۱. تعاملات شهر و زاینده‌رود در اصفهان پیش از صفوی

در این دوره تاریخی، شهر و بخش‌های اصلی آن در «فاصله قابل توجهی با رودخانه» قرار دارد و این فاصله را باغ‌ها و بیشه‌زارها تشکیل می‌دهد. عموم کارکرد رودخانه برای شهر در حد «کارکردهای کشاورزی»، آبیاری دشت اصفهان و مزارع اطراف زاینده‌رود، و «بهره‌مندی‌های معیشتی» است، اما در مواردی محدود به «معماری، باغ‌های شاهی، و کاخ‌ها و قصرهای شاهان و اشراف» در مجاورت رودخانه برمی‌خوریم. «پیوند دو سوی رودخانه» در حوزه پیرامونی شهر «تنها در دو نقطه» میسر است: پل مارنان در ابتدای غربی شهر و پل شهرستان در پایین دست شهر. با توجه به فاصله شهرستان از محدوده شهری اصفهان، می‌توان به این نتیجه رسید که، ارتباط دو طرف رودخانه در محدوده مجاور شهر «ارتباطی کم‌رنگ» بوده است.

۳.۲. تعاملات شهر و زاینده‌رود در اصفهان صفوی

اصفهان در عهد صفوی «پایتخت» می‌شود؛ با این تصمیم، ظرفیت پذیرش جمعیت، و روابط سیاسی، اقتصادی، مذهبی، و اجتماعی شهر افزون شود. به این منظور، با حفظ احترام به ساختار شهر قدیم، «به سمت جنوب و زاینده‌رود گسترش و توسعه می‌یابد». «ساختار اصلی این توسعه شهری» مبتنی است بر پنج رکن مهم:





۶. به کارگیری طبیعت و مظاهر آن در سطوح گسترده در شهر، از این منظر، مناطق توسعه یافته شهر فضاهایی هستند با حضور غالب طبیعت در آن و جای گیری معماری‌ها در بخشی از آن؛

۷. «پیوند چندجانبه معماری‌های شاخص شهری با عناصر طبیعی» و محورهای طبیعی، به طور نمونه، مسجد چهارباغ، کاخ‌های شاهی، فضاهای باز شهری مانند میدان امام، و مجموعه دولت‌خانه صفوی؛

۸. تبدیل اصفهان از شهری در فاصله با زاینده‌رود به «شهری رودخانه‌ای»، مراد از شهر رودخانه‌ای، شهری نیست که تنها در جوار رودخانه واقع است، بلکه شهری است که در زیرساخت‌ها و ساحت‌های مختلف فیزیکی و انسانی با رودخانه پیوند داشته و رشد کرده است؛

۹. فراهم کردن زمینه «بهره‌مندی عامه مردم از مواهب طبیعت» در شهر.

نکات فوق مبین این مهم است که اصفهان در محدوده تاریخی خود، شهری است با «ساختاری طبیعی-تاریخی». این ساختار در پیوندی چندجانبه با طبیعت شکل گرفته و رشد کرده است. این ارتباط با طبیعت در طرح توسعه صفوی، به طور خاص تری نمود پیدا می‌کند که، به برخی مصادیق و آثار آن در سطور بالا پرداخته شد.

حال در ادامه روند این پژوهش این سؤال اصلی مطرح می‌شود: رویکرد طرح‌های حفاظت و توسعه شهری در حوزه شهر تاریخی و حتی در کل شهر، به این مبنای ساختاری شهر تاریخی، چیست؟ در طرح‌های حفاظتی بافت‌های تاریخی در شهر اصفهان علاوه بر جنبه‌های تاریخی-فرهنگی، لازم است به این ارتباط با طبیعت نیز توجه خاص شود. حتی با توجه به جفاهایی که بر طبیعت و رودخانه در برخی طرح‌ها و توسعه‌های سال‌های پس از صفویه تا به امروز رفته است، می‌توان در آینده حفاظت را با محوریت طبیعت و رودخانه در بخش‌های تاریخی شهر مطالعه

- محوریت طبیعی- شهری چهارباغ؛

- محوریت طبیعی رودخانه؛

- محلات جدید شهری در ارتباط با دو محور فوق؛

- باغ‌های شاهی درون شهری و برون شهری؛

- شریان‌ها و شبکه تقسیم آب در شهر و پیرامون.

«اصول مبانی نظری توسعه صفوی اصفهان در خصوص

تعامل شهر با طبیعت و رودخانه» را می‌توان این‌گونه بیان داشت:

۱. به کارگیری «جلوه‌های مختلف حضور طبیعت» (اعم از آسمان، کوه، درخت و باغ، و آب در صورت‌های گونه‌گون) در «عرصه‌های گونه‌گون فضاهای شهری و مقیاس‌های مختلف آن» و به حضور پررنگ آوردن «نقش اساسی عناصر طبیعی» در شهر؛

۲. «توسعه بر پایه طبیعت» و بر زمینه آن، نه فقط «در پیوند با آن»؛

۳. «توسعه و گسترش قابلیت‌های طبیعت همراه با نگرشی

از سر احترام به آن»، در عین حال که، بهره‌مندی‌های معیشتی، کشاورزی، و اقتصادی از جلگه اصفهان و طبیعت آن (اعم از روانه و مادی‌های گسترش یافته) افزایش چشمگیری می‌یابد، اما این بهره‌مندی در حیطة ظرفیت‌های عناصر طبیعی انجام می‌گردد. در نوع پرداخت و به کارگیری عناصر طبیعی در فضاهای شهری، باغ‌سازی‌ها، آسه‌ها و محورهای تعیین کننده نیز عمران طبیعت همراه است با احترام به آن؛

۴. به کارگیری «عناصر مختلف طبیعی در فضاهای شهری و تبدیل آنها از عنصری صرفاً طبیعی به عناصر معماری فضاها»، نمونه بارز این مورد، به کارگیری نهر و مادی در صحن مدرسه چهارباغ است؛

۵. «نقش بستن طبیعت و رودخانه و مظاهر آن در تصور ذهنی مردم» و بازدیدکنندگان از شهر، و همین‌طور در منظر عمومی شهر؛

ت ۱۱. (صفحه روبرو) نقشه شهر اصفهان تهیه شده توسط کمپفر که به خوبی موقعیت طرح صفوی، محله‌های شهری، باغ‌های هزارجریب و فرح‌آباد، پل‌های تاریخی، محور چهارباغ و دولت‌خانه صفوی در ارتباط با بخش‌های قدیمی تر شهر در آن دیده می‌شود.

کرد و حضور همراه با احترام طبیعت را یکی از مؤلفه‌های تأثیر گذار بر طرح‌های بهسازی و توسعه شهری اصفهان مطرح کرد.

منابع و مأخذ

آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر. «ایران و جهان اسلام از نگاه اصفهان در شهر موزه نقش جهان»، در *فصل‌نامه اثر*، ش ۳۵ (پاییز ۱۳۸۱)، ص ۲۲-۳.

ابن حوقل، محمد. *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.

ابونعیم اصفهانی، حافظ. *ذکر اخبار اصفهان*. ترجمه نورالله کسایی. تهران: سروش، ۱۳۷۷.

اسکندر بیگ منشی. *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۷.

افضل الملک، غلامحسین. *سفرنامه اصفهان*. به کوشش ناصر افشارفر. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.

اولتاریوس، آدام. *سفرنامه بخش ایران*. ترجمه احمد بهپور. تهران: ابتکار، ۱۳۶۸.

اولیویه، گیوم آنتوان. *سفرنامه*. ترجمه محمد طاهر میرزا. تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱.

براون، ادوارد گرانویل. یک سال در میان ایرانیان. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: اختران، ۱۳۸۷.

بروگش، هاینریش کارل. در سرزمین آفتاب: دومین سفرنامه هاینریش بروگش، تصویری از ایران سده نوزدهم. ترجمه محمد جلیلود. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.

برینولی، ژان. «بینش شاه عباس: شهرسازی سلطنتی اصفهان». ترجمه داود طبایی. در *فصل‌نامه گلستان هنر*، ش ۵ (پاییز ۱۳۸۵)، ص ۶۰-۷۱. تاورنیه، ژان بابتیست. *سفرنامه*. ترجمه ابوتراب نوری. اصفهان: کتابخانه سنایی، ۱۳۳۶.

جناب، آقامیرسیدعلی. *الاصفهان*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶.
جکسن، آبراهام والتتاین ویلیامز. *سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال*. مترجمان منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
چریکوف، وایسلی ایوانوریچ. *سیاحت‌نامه*. ترجمه آبکار مسیحی. مصحح علی اصغر عمران. چ ۲. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹.

دلاواله، پیترو. *سفرنامه*. ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.

دیولافوا، ژان. *ایران، کلد، و شوش*. ترجمه علی محمد فره‌وشی. چ ۵. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

شاردن، ژان. *سفرنامه (بخش اصفهان)*. ترجمه حسین عریضی. تهران: نگاه، ۱۳۶۲.

شفقی، سیروس. *جغرافیای اصفهان*. اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱.
غلوم‌بیک، لیزا. «الگوهای شهری اصفهان پیش از صفویه». در *مجله معماری و شهرسازی*، ش ۴۳-۴۲ (۱۳۷۷)، ص ۸-۱۸.

فلاندن، اوژن. *سفرنامه به ایران در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱*. ترجمه حسین نورصادقی. اصفهان: چاپخانه روزنامه نقش جهان، ۱۳۲۴.

کاری، جووانی فرانچسکو جملی. *سفرنامه*. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.

کمپفر، انگلبرت. *سفرنامه*. ترجمه جهان‌داری کی‌کوس. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.

گوبینو، ژوزف آرتور (کنت دو). *سفرنامه*. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: کتاب‌سرا، ۱۳۶۷.

مافروخی اصفهانی، مفصل بن سعد. *محاسن اصفهان*. ترجمه حسین بن محمد بن ابی‌الرضا آوی. تهران: شرکت سهامی چاپ، ۱۳۲۸.

ناصر خسرو قبادیانی مروزی، ابومعین. *سفرنامه*. تهران: ققنوس، ۱۳۸۲.
هولتسر، ارنست. *ایران در ۱۱۳ سال پیش*. ترجمه محمد عاصمی. تهران: وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵.

یوشیدا، ماسهارو. *سفرنامه یوشیدا ماسهارو: نخستین فرستاده ژاپن به ایران دوره قاجار*. ترجمه هاشم رجب‌زاده با همکاری ی. نی ئی یا. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.

Spooner, B. "City and River in Iran: Urbanization and Irrigation of the Iranian Plateau, Iranian Studies", in *Journal of the Society for Iranian Studies, Studies on Isfahan, part II* (1974).